

بررسی احکام فقهی ناصبی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

زهرا زیوری میرزائی

چکیده

از مسائل مهمی که در فقه شیعه، در مورد ناصبی مورد بحث و بررسی واقع شده، معنای ناصبی است. فقیهان شیعه در طول قرن‌ها، درباره اینکه ناصبی چه کسی است، بسیار سخن گفته و محدوده نصب را تعیین کرده‌اند. اهمیت این امر آنجا مشخص می‌شود که درگیری شیعه و سنی با یکدیگر به بهانه رافضیگری یا ناصبیگری، خون‌های زیادی بر زمین ریخت و فقه‌های شیعه بر حفظ کیان اسلام و خون مسلمانان، حدود نصب را برای شیعیان مشخص می‌کردند تا از اهل سنت متمایز گردند. بنابراین، در طول اعصار مختلف چند معنا برای نصب در متون فقهی شیعه بیان شده است که به نظر می‌رسد اوضاع زمان فقیه و سیاست حاکم بر آن دوره، در تعیین معنای ناصب نیز تأثیرگذار بوده است. هدف از این مقاله بررسی احکام فقهی ناصبی است که به بررسی مفهوم ناصبی، پیدایش ناصبی‌گری، احکام ناصبی، پیشینه تحقیق در این مورد می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: احکام، فقهی، ناصبی، ناصبی‌گری، متون شیعی، احکام نواصب

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

از آنجاکه مفهوم ناصبی گری در تاریخ اسلام، ابتدا در متون شیعی به کاررفته است، برای بررسی آن، ابتدا باید متون شیعی مورد واکاوی قرار گیرد. در میان منابع شیعی، متون فقهی در تعریف و تشخیص مفهوم و مصداق ناصبی، از دقت بیشتری برخوردار است؛ از این رو در این مقاله برای مفهوم یابی ناصبی گری، بر این متون تأکید شده است. سیر تحول تاریخی واژه نصب را می توان در سه مقطع بررسی کرد: مرحله اول از آغاز تا قرن هفتم؛ مرحله دوم از قرن هفتم تا قرن دهم؛ و بالاخره مرحله سوم از قرن دهم تا زمان حاضر. الف. برای اولین بار در قرن پنجم و ششم، چندین اثر با عنوان ناصب و نواصب نوشته شده است که تقریباً تا چند قرن بعد، از این نوع تألیفات خبری نیست. (۱)

ب. با بررسی آثار فقهی امامیه در قرن ششم، بی اعتنایی معناداری نسبت به بیان احکام و مسائل فقهی مربوط به ناصبی ملاحظه می شود. برای نمونه در آثار ابن زهره (۵۱۱_۵۸۵ ق.)، فقیه امامی ساکن حلب، اشاره ای به احکام ناصبی نشده است. دلیل این پدیده به درستی معلوم نیست؛ ولی شاید بتوان گفت که تسلط ایوبیان بر حلب و تشدید سخت گیری ها بر شیعیان در این کار ابن زهره بی تأثیر نبوده است. اگرچه شاید همگرایی ابن زهره با اهل سنت، دلیل نپرداختن وی به احکام نواصب بوده است. (۲) بی توجهی نسبت به بیان احکام فقهی مربوط به ناصبی پس از ابن زهره ادامه یافت تا آنکه محقق حلی (د. ۶۷۶ ق.) و علامه حلی (د. ۷۲۶ ق.)، در آثار فقهی خود بار دیگر به طرح این مباحث پرداختند.

ج. پس از قرن هفتم، در آثار شخصیت های برجسته اهل تسنن مانند ابن تیمیه، ابن حجر عسقلانی، ابن کثیر و ذهبی، به فراوانی از نصب، ناصبی گری، عثمانی گری و مفاهیم مرتبط با آن ها استفاده شده است و همین امر موجب شده تا آثار اهل سنت از قرن هفتم به بعد با آثار سده های پیش از خود که چنین واژگانی در آن ها یافت نمی شد، متمایز باشند. (۳)

بخش اول: مفهوم نصب و ناصبی

«نصب» در لغت معانی متعددی دارد:

(الف) تعب، خستگی و ناتوانی؛ {لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا} (۴)

(ب) علامت و اظهار کردن چیزی؛ {وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ} (مانده: ۵). یکی از گوشت‌های حرام، گوشتی بود که برای بت‌های منصوب و نمایان قربانی می‌کردند. بنابراین «انصاب»، بت‌های نصب‌شده برای عبادت بود؛

(ج) تظاهر به دشمنی؛ شاید این معنا هم از معنای دوم (تظاهر) گرفته شده باشد (۶)

نصب در اصطلاح: واژه «ناصبی» در اصطلاح روایات به چند معنا آمده است:

(الف) دشمنی و سبّ علیؑ؛ مهم‌ترین دلیلی که بر تمایز ناصبی از اهل سنت وجود دارد و علت اصلی به وجود آمدن چنین فرقه‌ای است، دشمنی نواصب با امیر مؤمنانؑ و سب و توهین و لعن ایشان است. این افراد، امیرالمؤمنینؑ را مسلمان نمی‌دانند. آنها عمل حضرت را مخالف دین شمرده، با ایشان دشمنی می‌ورزند (۷) دشمنی با ائمه؛ در برخی منابع فقهی، دشنام‌دهنده به هر یک از اهل بیت: ناصبی شمرده شده. شهید ثانی صرف بغض داشتن به اهل بیت را نصب می‌داند؛ «متی عرف منه البغض لأهل البيت: فهو ناصبی و إن لم يعلن به». بر این اساس گفته شده: «دشمنی و کینه نسبت به ائمه: که از آن به «نصب» تعبیر شده، حرام، بلکه موجب کفر و نجاست فرد ناصبی است» (۷)

(ج) دشمنی با دوستان ائمه؛ در برخی روایات آمده است که دشمنان پیروان و دوستان ائمه: نیز ناصبی هستند؛ به‌طور مثال امام صادقؑ به یکی از شیعیان فرموده‌اند: «ناصبی کسی نیست که با ما اهل بیت دشمنی می‌ورزد؛ چون امروز کسی را نمی‌یابی که بگویند من دشمن محمد و آل محمد هستم. بلکه ناصبی کسی است که با شما دشمنی می‌ورزد؛ چون می‌دانند که شما ما را دوست می‌دارید و از دشمنان ما تبری می‌جوید...»

از آنجا که برخی روایات، دشمن اهل بیت را ناصبی دانسته‌اند و برخی دیگر، دشمن محبین آنان را، بحث‌های زیادی درباره معنای ناصبی در گرفته است. ولی باید دانست روایاتی که





دشمنی با شیعه را نصب می‌داند، به اولویت بر ناصبی بودن دشمنان خود اهل بیت هم دلالت دارند؛ چرا که دشمنی با امامیه به دلیل طرفداری و پیروی آنان از ائمه است و به نحوی این دشمنی، تقاضای این تبعیت است (۸) بر همین اساس ابن ادریس حلی در جواب این پرسش که چه فرقی است میان «ناصبی» و «مستضعف»، می‌گوید: «ناصبی عقیده‌ای مخالف عقیده شیعه دارد و با شیعه، به دلیل مذهبش، دشمنی می‌ورزد؛ اما مستضعف کسی است که از اختلاف مذهبی اطلاع ندارد» لذا برخی ناصبی را به دو دسته «کافر» و «محکوم به اسلام» تقسیم کرده‌اند و گفته شده: «مردمان کم‌اطلاع و جاهل چنین می‌پندارند که هر مخالفی در مذهب، ناصبی است؛ ولی این طور نیست» (۷) این سه معنا در روایات بیشتر آمده است؛ ولی در مجموع از سخنان ائمه: پنج معنا برای ناصبی برداشت می‌شود:

۱. کسی که بغض (علی) را جزو دینش قرار داده؛

۲. کسی که به اهل‌بیت: عداوت دارد، ولی آن را مذهب خود قرار نمی‌دهد؛

۳. کسی که با شیعه عداوت داشته باشد؛

۴. کسی که غیر علی را بر علی ترجیح دهد؛

۵. هر مخالفی ناصبی است.

از این میان، معنای اول واضح‌ترین معنا برای ناصبی است

در مجموع باید گفت ناصبی کسی است که بغض و دشمنی اهل بیت را دارد و این دشمنی را جزو دین خود قرار می‌دهد، البته امیرالمؤمنین در رأس ائمه: قرار گرفته و به تبع پیروی از ایشان، شیعه امامی هم مورد دشمنی قرار می‌گیرد. اما هر مخالفی؛ از جمله اهل سنت و مستضعفین، ناصبی شمرده نمی‌شوند. (۹)

بخش دوم: پیدایش ناصبی‌گری

برخی از محققان معاصر معتقدند، ناصبی‌گری با قتل عثمان آغاز و در حکومت امویان رسمیت یافت. (۱۰) به گزارش منابع تاریخی، معاویه بن ابی‌سفیان هنگامی که در سال ۴۱ قمری مغیره بن شعبه را به امارت کوفه گماشت به او دستور داد به امام علی ناسزا بگوید و از یاران او

بدگویی کند. پس از او خلفای بنی امیه تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز بر منابر حضرت علی را سب می کردند. (۱۱)

حاکم نیشابوری عالم اهل سنت، قرن چهارم قمری را آکنده از ضدیت با امام علی (ع) توصیف کرده و انگیزه خود از نگارش کتاب فضائل فاطمه الزهراء را مقابله با این جریان ذکر می کند. او در توصیف فضای قرن چهارم می نویسد:

زمانه ما را گرفتار رهبرانی کرده که مردم برای نزدیکی به آنان، به بغض آل رسول توسل می جویند و آنان را کوچک می شمارند. (۱۲)

بخش سوم: اهمیت بررسی معنای ناصبی در فقه

واژه های «نصب» و «ناصبی» و «ناصبیگری» از واژه های پرکاربرد در مذاهب اسلامی است. در احادیث اسلامی این کلمات مفهوم ناپسندی دارند؛ به طوری که در برخی روایات، ناصبی را از یهود، نصارا و مجوس، بدتر، و از کلب نجس تر قلمداد کرده اند. علمای اسلامی نیز از دیرباز حول محور این واژگان بحث های بسیاری داشته اند و پرداختن به این مباحث امروزه، با توجه به پیامدهای ناصبیگری و تشکیل گروه های تکفیری، در بین ملت های مسلمان، اهمیت بیشتری یافته است؛ چراکه اینان همان تفکرات ناصبیان صدر اسلام را زنده کرده اند.

وهابیت تکفیری یکی از مشکلات دنیای کنونی همه مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) است. آنها با اتهام های ناشایستی که به شیعیان می زنند، باعث گمراهی مسلمانان و عده زیادی از مردم دنیا می شوند. برخی از وهابی ها اصرار دارند که شیعیان، همه اهل سنت را ناصبی می دانند. شناخت این جریان و معیارهای ناصبیگری در ایام حج، نمود بیشتری دارد و اهمیت آن را دو چندان می کند. (۱۳)

بخش چهارم: معیارهای ناصبیگری از منظر فقهای شیعه

در تاریخ فقه شیعه و آثار فقها، معیارهایی برای شناخت درست ناصبی ها و پی بردن به بنیه فکری آنان برشمرده شده است که به شناخت درست مصادیق ناصبی منجر می گردد؛ ولو آنکه در آثار فقهی از آن مصادیق به طور خاص نامی نیآورده باشند. اهمیت بیان معیارهای ناصبی،



برای تشخیص درست آن در فقه و بار کردن احکام است. بنابراین معیارهای مهم ناصبی از قرار ذیل‌اند:

۱. دشمنی و مخالفت کردن

از مهم‌ترین معیارهای ناصبیگری ابراز دشمنی آنهاست. آنها کسانی هستند که دشمنی، مخالفت، بغض و کینه را سرمنشأ اعتقاد خود قرار داده‌اند. بنابراین، اگر مخالفی چنین خصوصیتی را دارا نباشد، از نواصب به شمار نمی‌آید. فقیهان بسیاری این معیار را بیان کرده‌اند و منشأ روایی دارد. آنها در تعاریف خود از ناصبی، از واژه عداوت و بغض استفاده می‌کنند (۱۴)

اما سؤال این است که آیا معیار ناصبی اظهار و اعلان دشمنی است؟ یا اگر در خفا نیز به دشمنی و بغض می‌پردازد، باز هم ناصبی بر او صادق است؟ شهید ثانی در *مسالك الافهام* اشاره دارد که شرط ناصبی بودن این نیست که بغض خود را اعلان کند، بلکه اگر کسی کینه و دشمنی اهل بیت را در دل داشته باشد، ناصبی است و اعلان ظاهری شرط نمی‌باشد. (۱۵)

در مقابل، برخی فقها، به‌خصوص فقهای معاصر، اعلان و اظهار عداوت را شرط دانسته و کسی را که نسبت به اهل بیت: اظهار دشمنی کند، مسلمان ندانسته و ناصبی شمرده‌اند بنابراین، اصلی‌ترین معیار در شناخت ناصبی، ابراز و اظهار کینه و بغض آنها نسبت به اهل بیت و آشکار کردن دشمنی با علی است (۱۴)

۲. منکر اصول و عقاید شیعه

یکی از معیارهای تشخیص ناصبی این است که منکر اصول و مبانی شیعه باشد؛ هر چند در کلامش به ائمه: ناسزا نگوید. لذا اگر کسی از مخالفان، «مودت اهل بیت» را که از اصول اساسی شیعه محسوب می‌گردد (به عنوان مودت ذی‌القربی) انکار کند، ناصبی شمرده می‌شود و کافر است؛ «چون منکر ضروری‌ای است از ضروریات دین اسلام و همه مسلمانان مودت

اهل البیت را واجب می‌دانند به نص قرآن، و اخبار متواتره» انکار این اصل مسلم، باعث خروج از اسلام است. مصداق بارز این گونه منکران، وهابی‌ها هستند (۱۶)

مقصود از ناصبی، ناصب اعتقادی است که با عنوان دین عداوت داشته باشد. در واقع مرز میان ناصبی و مخالف شیعه، اختلاف مذهبی نیست؛ بلکه اختلاف دینی است. افضلیت امیرالمؤمنی^۷ از ضروریات شیعه است. با این توصیف، ناصبیان کافر و بی‌دین شمرده می‌شوند؛ اما هر مخالفی بی‌دین نیست مؤید این کلام آن است که بی‌تردید پیامبر خدا با مخالفین وصلت می‌کردند؛ از آنها دختر می‌گرفتند و به آنها دختر می‌دادند. (با این توصیف، برخی معتقدند که امروزه تعداد ناصبی به معنای حقیقی اش بسیار کم است (۱۷)

۳. استهزا

یکی دیگر از معیارهای تشخیص ناصبی، استهزای اساس شیعه توسط آنان است. برخی از ناصبیان اصول شیعه را که امامت از ارکان است، با صراحت منکر نمی‌شوند یا به اظهار دشمنی و بیان ناسزا نمی‌پردازند؛ بلکه به استهزای آن دست می‌زنند و این خود راهی برای تشخیص نصب شمرده می‌شود:

«استهزا به ائمه: اگر به استهزای خداوند یا پیامبر و یا رسالت برگردد، حکم پیشین را دارد. استهزای توأم با دشنام به آن بزرگواران موجب ثبوت حد قتل است. و از آن جهت که مستلزم نصب است، موجب کفر می‌شود.»

بنابراین، باید مسئله تعریف ناصبی را از معیارهای آن متمایز ساخت تا دچار خلط مفهومی در بحث نشویم؛ چرا که دریافتیم ناصبی تعریفی دارد و در کنار آن، دارای معیارهایی است. اگر مخالفی با ائمه: یا شیعه دشمنی ورزد یا منکر اصول شیعه شود و یا آن را استهزا کند، اینها معیاری برای ناصبی بودن اوست و الا هر نوع مخالفتی ناصبیگری به شمار نمی‌آید. (۱۸)

بخش پنجم: نصب در متون فقهی

از ویژگی های متون فقهی، تلاش برای ارائه دقیق مفاهیم و پاسخ واضح به پرسش های مطرح شده است. این نکته باعث شده که دقیق ترین مفهوم نصب از منابع فقهی به دست آید.

در موضوع مورد بحث این پژوهش، در متون فقهی شیعه، هرچه از دوره ائمه علیهم السلام دور می شویم، تلاش برای ارائه مفهومی شفاف تر از واژه نصب، نمایان تر می شود. توضیح آنکه با وجود احادیث دربردارنده مباحث مربوط به ناصیان در نگاشته های حدیثی نخستین، ابواب فقهی مربوط به عنوان ناصب، در قرن چهارم شکل گرفته است؛ (۱۹) و در ادامه، ظاهراً اول بار در قرن ششم، کتابی مستقل باهدف ارائه مفهوم ناصبی، تألیف شده است. این روند استمرار یافت تا آنکه در قرن دوازدهم، منابع مرتبط با این مسئله، فراتر از حوزه فقهی به آن پرداختند. (۲۰)

بخش ششم: احکام ناصیه

ناصبی احکام ویژه ای دارد که شناخت آنها کمک زیادی به شناخت مصادیق ناصبی می کند. موارد بسیاری از این خصوصیات در تألیفات فقهای شیعه آمده است که نباید با معیارهای ناصبی یا با تعریف یا مصادیق آن مخلوط شوند. برخی از احکام اختصاصی نواصب که فقها بدان اشاره کرده اند، عبارت است از:

* کفر و نجاست ناصبی؛ فقهای شیعه به تبعیت از نصوص روایی - فقهی به نجاست و کفر نواصب فتوا داده اند چون ناصبی منکر ضروری است؛ زیرا مودّت اهل بیت یکی از ضروریات دین اسلام است که به نص قرآن و اخبار متواتر، واجب است در برخی از تعبیر آمده است که حق سبحانه و تعالی نجس تر از سگ نیافریده است و ناصبی از سگ نجس تر است. مقصود از نجاست، قذارت نفسی و کدورت باطنی است، نه نجاست ذاتی. (۲۱)

اما در فقه شیعه، برخی به نجاست نواصب قائل نشده اند. این فقها، روایات مزبور را توجیه می کنند و معتقدند بعضی از روایات که درباره نجاست ناصبی ها وارد شده، مبهم است و به حالت پلیدی روانی شان نظر دارد؛ به خصوص با در نظر گرفتن طهارت اهل کتاب که به کلی با اصول اسلامی مخالف اند، نجاست ناصبی از تحقیق فقهی دور خواهد بود لذا آنان کفر را از نجاست جدا می کنند و معتقدند ناصبی اگر چه از فرق مسلمین است ولی به دلیل ارتکاب عملی که بطلان آن از ضروریات دین اسلام است، در حکم کافر است. صدوق و محمدتقی

مجلسی اخباری را که بر عدم جواز استفاده از آب غسله حمام دلالت دارند - چون معلل به این شده‌اند که ناصبی از آن استفاده می‌کند - بر کراهت حمل کرده‌اند، نه نجاست (۲۲)

* عدم قبولی اعمال ناصبی؛ از خصوصیات و احکام ناصبی، عدم قبولی تکالیف واجبی است که انجام می‌دهد «در احادیث بسیار وارد شده است که ناصبی نماز کند یا زنا کند، مساوی است.»

* ناصبی بدتر از ولدالزنا!؛ در برخی از روایات فقهی، ناصبی همسان ولدالزنا شمرده شده است. بنابراین، ناصبی مانند ولدالزنا در شریعت احترام خاصی ندارد، والدالزنا بودن در اسلام بسیار مورد هجوم و شماتت قرار گرفته تا از زنا و اعمال منافی عفت جلوگیری شود. اما ناصب حتی از حرامزاده بدتر شمرده شده است. از امام صادق^۷ نقل شده: «حضرت نوح^۷ سگ و خوک را در کشتی سوار کرد، ولی زنازاده را برنداشت و ناصبی، بدتر از زنازاده است.» (۲۳)

همچنین آمده است که امام صادق از سؤر یهودی، نصرانی، مشرک و ولدالزنا کراهت داشت؛ اما کراهت ایشان از سؤر ناصبی بیشتر بود.

* ناصبی بدتر از یهودی: یهود در منظر مسلمان از منزلتی برخوردار نیست و بدترین افراد در میان مسلمانان شمرده می‌شود. در عین حال ناصبی از یهود هم بدتر دانسته شده است. امام صادق ناصبی را از یهود بدتر می‌داند؛ چرا که یهودی «لطف نبوت» را منکر می‌شود، اما ناصبی مانع «لطف امامت» می‌شود؛ لطفی که جهان‌شمول است

* احترام نداشتن ناصبی؛ عدم احترام ناصبی بدین معناست که فقها به تبعیت از برخی روایات برای ناصبی ارزشی قائل نیستند و حقوقی را که برای فرد مسلمان شناخته شده است، برای او جاری نمی‌دانند. امام معصوم^۷ فرموده‌اند:

«اما ناصبی؛ پس دلت بر او رقت نکند و او را غذا و آب مده؛ گرچه از گرسنگی یا تشنگی بمیرد و به فریادش نرس. اگر غرق شد یا سوخت و کمک خواست، او را زیر آب کن و یاری‌اش نرسان؛ چرا که پدرم که محمدی خوبی (پیرو راستین حضرت محمد^۹) بود،

می‌فرمود: «هر کس ناصبی را سیر کند، خداوند در روز قیامت درویش را از آتش پر کند؛ چه معذب باشد یا آمرزیده» (۲۴)

این روایت و مشابه آن می‌رساند که شناخت ناصبی از منظر معصوم بسیار مهم بوده است؛ چرا که بدیهی‌ترین نیازهای یک انسان را هم برای او قائل نیست و این علاوه بر اینکه بر پستی و رذالت ناصبی دلالت دارد، احساسات شیعیان را نیز برای شناخت و تعامل با ناصبی برمی‌انگیزاند.

از میان فقهای کنونی، آیت‌الله زنجانی نیز مطالبی را در مورد احترام نداشتن ناصبی بیان کرده است. ایشان معتقد است که مال ناصبی احترام ندارد و می‌توان آن را به ملکیت خود درآورد که در این صورت، همچون سودهای تجاری است که اگر از مخارج سال شخص و خانواده‌اش زیاد بیاید، خمس دارد. همچنین ایشان جنگ با کسانی را که بر امام معصوم ۷ خروج کنند، جایز دانسته‌اند (۲۵)

* شفاعت نداشتن ناصبی؛ یکی از ویژگی‌های ناصبی این است که از سوی اولیای الهی مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد و نمی‌تواند کسی را هم مورد شفاعت قرار دهد؛ ولو سال‌ها عبادت کرده باشد و این نتیجه دشمنی او با اهل بیت است. در احادیث متواتر آمده است که اگر همه پیغمبران و اوصیای پیغمبران و همه ملائکه مقرب یک ناصبی را شفاعت کنند، خدای سبحان شفاعت هیچ یک را قبول نخواهد کرد. (۲۶)

ناصبی حتی از شرابخوار و بت پرست بدتر شمرده شده و برای همین شفاعت او پذیرفته نمی‌شود. ابوبصیر گوید امام صادق فرمود:

«کسی که بر شرب خمر مداومت کند، به‌سان کسی است که بت می‌پرستد و کسی که نصب عداوت برای آل محمد می‌کند، از او بدتر است.» پرسیدم: «فدایت شوم! چه کسی بدتر از بت‌پرست است؟! (یعنی چه کسی می‌تواند بدتر از عبادتگر بت باشد؟!)) حضرت فرمود: «شرابخوار، شفاعت او را یک روز در می‌یابد؛ ولی ناصبی، اگر اهل آسمان‌ها و زمین درباره او شفاعت کنند، شفاعتشان پذیرفته نمی‌شود» (۲۷)

بخش هفتم: احکام ناصبی در فقه امامیه

اکنون برای روشن تر شدن دیدگاه فقهی امامیه درباره مفهوم ناصبی گری و ناصبی، به اجمال برخی از احکام فقهی مربوط به ناصبی ذکر می شود. ذکر این موارد تنها برای ایضاح مفهوم و مصداق ناصبی در دیدگاه فقهی و تأکید بر جداسازی این مفهوم از مفهوم عام و عامیانه آن است.

- ازدواج

ازدواج با ناصبی حرام است؛ البته در این میان، گاهی قیودی همراه ناصبی آمده است، مانند شناخته شده بودن فرد به نصب و دشمنی اظهار عداوت با آل رسول علیهم السلام؛ اما به طور معمول، بدون قید و شرط آمده است. با توجه به حرمت این ازدواج، اگر چنین ازدواجی بدون آگاهی از نصب فرد صورت گیرد، پس از آگاهی خودبه خود فسخ می شود. در روایات برای نشان دادن زشتی ازدواج با ناصبی، ازدواج با اهل کتاب بهتر از ازدواج با ناصبی دانسته شده است. گاهی در حرمت ازدواج، مواردی مثل مجوسیه، با ناصب همراه شده است. در روایتی، امام باقر علیه السلام، ازدواج، خوردن ذبیحه و زندگی با آنان را نهی کرده اند. ازدواج با ناصبی حتی به صورت موقت هم جایز نیست. در این میان ابن حمزه، ازدواج موقت با زن ناصبی را فقط در موارد ضروری، جایز می داند. (۲۸ و ۲۹)

- نماز بر جنازه ناصبی

در بابی از جلد سوم اصول کافی با عنوان «باب الصلاه علی الناصب»، هفت روایت به این موضوع اختصاص یافته است.. به طور کلی در صورت نماز خواندن بر جنازه ناصبی، لازم است که نفرین شود.. علمای شیعه، این نماز را جز در حالت تقیه، جایز نمی دانند.. ابن برّاج، نماز بر ناصبی را در صورت عدم ضرورت تقیه جایز نمی داند. در این مورد هم قیودی درباره علنی بودن و شناخته شدن به نصب، در کنار ناصبی به چشم می خورد که قبلاً درباره آن توضیح داده شد. (۳۰ و ۳۱)

- اقتدا به ناصبی در نماز



اقتدا به ناصبی و خارجی در نماز جایز نیست، مگر در صورتی که ترس آن باشد که موجب شهرت و انگشت نما شدن بشود. در این میان نظر شیخ طوسی قابل توجه است؛ وی علاوه بر رد اقتدا در نماز به ناصبی در حال اختیار، اقتدا به کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست دارد، ولی از دشمن او بیزاری نمی جوید را نیز جایز نمی داند. وی سایر فرقه های شیعه غیر اثنا عشری را نیز مشمول این حکم دانسته است؛ البته جواز به شرط تقیه نیز مورد قبول او است. (۳۲ و ۳۳)

علی بن سعید بصری که در بصره، میان بنی عدی زندگی می کرد، از امام صادق علیه السلام درباره نماز پشت سر آن ها که عثمانی مذهب بودند، سؤال می کند. پاسخ امام، مبنی بر جواز نماز بر اساس تقیه بود و فضیل بن یسار به نقل از باقرین علیهما السلام به او می گوید که نباید به ناصبی اقتدا کرد. (۳۴)

– ذبیحه ناصبی

شیخ طوسی بابی از استبصار به نام «باب ذبائح من نصب العداوه لآل محمد علیهم السلام» را به بررسی حکم ذبیحه ناصبان اهل بیت علیهم السلام، اختصاص داده است. ایشان معتقد است ذبیحه ناصبی حرام و در حکم ذبیحه کفار و مرتدان است. ذبیحه خوارج هم _ به طور مستقل _ حرام دانسته شده است.

محقق حلی، ذبیحه تمام مسلمانان را حلال می داند و خوارج، غلات و مشبهه را خارج از اسلام و در نتیجه ذبایح آن ها را حرام و نیز حکم ناصب حربی را مثل حکم خوارج می داند. خرید گوشت از ناصبی هم مشمول حکم حرمت می شود و آن گوشت بدتر از گوشت میت و خوگ دانسته شده است. (۳۵ و ۳۶)

– دادن کفاره به ناصبی

در اطعام کفاره، شیعه بودن فقیر از شروط است؛ اما در مواردی که شیعه نیازمند وجود نداشته باشد، اطعام مستضعفین از غیر شیعه (ممن خالفهم) جایز است؛ ولی در هر صورت، ناصبی نباید اطعام شود. گاهی نهی از هر نوع کمک از جمله اطعام ناصب، به قدری شدید است

که وعده عذاب سختی برای روز قیامت در پی دارد و گاه مساوی با قتل یک شیعه انگاشته شده است؛ اما در مقابل، دادن زکات فطره به همسایگان غیر عارف که ناصبی نیستند، اگر نیازمند باشند، جایز شمرده شده است. (۳۷)

- اموال ناصبی

ابن ادریس حلی، دو روایت را مبنی بر جواز استفاده از مال ناصبی [بدون اذن او] نقل می کند؛ ولی در توضیح خود تأکید می ورزد که ناصب در این دو روایت، کسی است که علیه مسلمین جنگ برپا می کنند (اهل الحرب)؛ و گرنه گرفتن مال مسلمان و ذمی به هیچ وجه جایز نیست. (۳۸)

این گفته ابن ادریس، تأکیدهای شیخ مفید و شیخ صدوق درباره محدود و مشخص کردن مصادیق ناصبی را به یاد می آورد. (۳۹)

- نیابت حج از ناصبی

در فقه شیعه، نمی توان به نیابت از ناصبی به حج رفت. این مسئله یک استثناء دارد و آن در صورتی است که ناصبی، پدر فرد باشد. بابتی از کافی با عنوان «الحج عن المخالف» به دو روایت درباره این موضوع اختصاص پیدا کرده است. تخصیص خوردن حکم نیابت از ناصبی، درباره پدر، شبیه سایر احکام فقهی درباره ناصب است که در مورد مخالف و مستضعف، تخصیص خورده است. به همین لحاظ در اینجا نیز ناصب می تواند به مفهوم خاص فقهی آمده باشد. (۴۰)

- شیعه شدن ناصبی

طبق فقه شیعه، اعمال ناصبی که در زمان گمراهی و اعتقاد به نصب انجام داده است، پس از شیعه شدن (= استبصار)، قبول می شود و نیاز به تکرار و قضای آن نیست. زکات و حج از این مورد مستثنا هستند؛ ولی عدم وجوب و در نتیجه استحباب قضای حج نیز در برخی منابع آمده است. شیخ طوسی بابتی از الاستبصار را به روایات مربوط به حج مخالف و ناصبی ای که مستبصر شده اختصاص داده است. از آنجا که اگر «حروریه، مرجئه، عثمانیه و قدریه نیز _ مثل



ناصبی _ مستبصر شوند، همان حکم را دارند، می توان همسانی دیدگاه فقههای شیعه میان این واژه ها _ به ویژه عثمانیه و نواصب _ را مورد توجه قرارداد. (۴۱)

بخش هشتم: پیشینه تحقیق

رحمت تولایی و ابوالقاسم نقیبی (۱۳۹۸) در مقاله ای به بررسی ملاک ناصب انگاری، احکام و آثار مترتب بر نصب در فقه امامیه پرداختند. در ادبیات فقهی فقیهان امامیه در زمینه ملاک ناصبی، پنج قول مطرح شده است. این اقوال عبارتست از ۱. تقدیم غیر علی بر علی (ع) ۲. دشمنی ورزیدن با شیعیان علی (ع) ۳. مطلق دشمنی با اهل بیت (ع) ۴. اظهار دشمنی با اهل بیت (ع) ۵. تدین به دشمنی با اهل بیت (ع). با امعان نظر در ادله مورد استناد در این نوشتار در می یابیم که ملاک ناصب انگاری هر انسان، اظهار دشمنی با اهل بیت (ع) و تدین به آن است. اگرچه از منظر مشهور فقیهان، بر نواصب احکام فراوانی چون کفر، نجاست و... مترتب می گردد اما با وجود احتمال اراده کفر آنان در مقابل ایمان در روایات، نمی توان آنان را کافر اصطلاحی (کفر در مقابل اسلام) تلقی کرد و همچنین مراد از نجاست ناصبی، خباثت باطنی است. (۴۲)

ابراهیم محمدزاده مزینان و رضا حق پناه (۱۳۹۶) به بررسی اهمیت بررسی مصادیق ناصبی در فقه شیعه، در سفر حج پرداختند. مفهوم «نصب»، در ادبیات فقه و تاریخ، نامی آشناست. بررسی جریان نصب به عنوان رویکردی فرهنگی و سیاسی، اهمیت دارد. این جریان به مثابه نمادی از انحراف عمیق از مبانی و اصول اسلام شناسانده شده است. فقیهان امامی، احکامی چون کفر، نجاست، حرمت ازدواج و بسیاری از دیگر احکام کافر حربی را بر ناصبی بار کرده اند. اینکه نصب، در ادواری از تاریخ گذشته فرّ و مذاهب بلکه سایر ادیان، به عنوان ابزاری برای طرد مخالفان فکری و مذهبی به کار گرفته می شده و همواره منشأ نگرانی بوده است و آسیب ها و ضررهای جدی ای را به کیان مذهب و دیانت وارد ساخته است؛ لذا این مقاله با مراجعه به آرای فقههای شیعه درصدد ارائه گزارشی تاریخی - فقهی در معرفی مصادیق ناصبی است و شناخت مصادیق ناصبی از لابه لای تألیفات فقههای شیعه، بر

شناخت جریان ناصبیگری، خصوصاً در مکه و در ایام حج تأثیر بسزایی دارد، تا دایره کفر و طرد هم، بر اساس معیار درستی مشخص گردد. (۴۳)

مهدی مجتهدی (۱۳۹۵) در مقاله ای به بررسی معنا شناسی ناصبی گری با تأکید بر متون امامیه تا قرن هفتم پرداخت.. در این تحقیق، ضمن بررسی معانی لغوی و اصطلاحی نصب، با تبیین مفهوم این واژه در متون فقهی و اشاره به برخی از احکام ناصبی، سعی شده تصویر صحیحی از مفهوم نصب و ناصبی گری ارائه شود. مفهوم و مصداق نصب در دیدگاه شیعی، به دقت در متون فقهی ارائه شده که به معنای خاص آن، یعنی اظهار دشمنی و جنگ با امام معصوم محدود شده و از کاربرد آن عام نصب که مطلق غیر شیعه را در برمی گیرد، پرهیز شده است. (۴۴)

جمع بندی و نتیجه گیری

اصطلاح نصب و ناصبی، ابتدا در فرهنگ شیعی کاربرد داشته و سپس به احتمال زیاد از قرن هفتم به بعد به متون اهل سنت راه یافته است. مفهوم واژه نصب و ناصبی در متون شیعی گاه به هم آمیخته و ابهام آلود می نماید؛ به گونه ای که برخی از عالمان شیعی برای پرهیز از درهم آمیختگی مفهوم ناصبی، به تألیف آثاری مستقل همت گماشتند. برای ایضاح دقیق مفهوم ناصبی می توان آن را به مفهوم عام و خاص تقسیم کرد. در مفهوم عام، ناصبی مترادف با مخالف، شکاک و مستضعف است که نمی توان آن را مفهومی دقیق و رسا و قابل قبول از سوی عالمان بزرگ امامیه دانست؛ بلکه این مفهوم بیشتر به تلقی عامیانه در فضای منازعات فرقه ای و سیاسی شباهت دارد. مفهوم خاص و فقهی ناصبی که به ابراز خصومت و برپایی جنگ بر ضد امامان معصوم علیهم السلام تعبیر می شود، به دقت از سوی عالمان و نویسندگان بزرگ شیعی به کاررفته است و از میان ایشان، فقیهان امامیه بیشترین کوشش را برای تشخیص مفهوم و مصداق ناصبی کرده اند. در متون فقهی شیعه، هرچه از دوره ائمه علیهم السلام دور می شویم، کوشش برای ارائه مفهومی شفاف تر، بیشتر نمایان می شود. شاید نیاز جامعه به شرح و بسط مسائل از دلایل این کوشش باشد. احادیثی شامل مباحث مربوط به ناصبیان، در



قرن چهارم در ابواب فقهی مربوط به ناصبی تدوین شده است و به ظاهر اول بار در قرن ششم هجری کتابی مستقل باهدف ارائه مفهوم دقیقی از ناصبی، تألیف شده است. نگاهی به عناوین احکام فقهی مطرح شده درباره ناصبیان، نشان می دهد که همه آن ها جزء مسائلی هستند که شیعیان ممکن بود هرروزه با آن برخورد داشته باشند و بیانگر حضور افرادی با رویکرد ناصبی گری در جامعه و نیز نشانگر نوع تعامل جامعه شیعیان با این پدیده است. به همین دلیل در چندین مورد در کنار حکم اصلی، شرط تقیه و یا اضطراب نیز در این باره ذکر شده است.

همچنین بررسی مصادیق ناصبی از لابه لای آثار فقیهان شیعه، از قرن اول تا چهاردهم قمری، چراغ روشنی برای معرفی معیارهای درست ناصبیگری و ایجاد تمایز واقعی آنها با اهل سنت به خصوص در حج است. فقهای شیعه با جست و جوی دقیق در روایات فقهی، ضمن تعریف ناصبی و بیان معیارها و ویژگی های آن، به صراحت به مصادیق و افرادی که در زمره نواصب قرار می گرفتند، اشاره کرده و از این رهگذر سیره ائمه اطهار را در برخورد با جریان های فکری منحرف و بسیار مضر - که سعی داشتند بین صفوف مسلمین و امام و مأموم رخنه ایجاد کنند - نمایان ساختند که می تواند در سفر حج مفید باشد. از مهم ترین معیارهای ناصبی، دشمنی او با اهل بیت و امیرالمؤمنین: و توهین و استهزای شیعیان و اصول آنهاست. خوارج از بارزترین مصادیق ناصبی در طول تاریخ تشیع اند. وهابیت که زاده قرون اخیر است؛ از جمله نواصب شمرده می شوند. آنان حتی در بین حجاج شیعه و به ویژه ایرانیان، کتاب های فارسی علیه شیعه در تیراژ بسیار بالا و به صورت رایگان توزیع می کنند. کتاب هایی که اهداف آنان را بسیار مرموزانه دنبال می کند و از این جهت در صدد تثبیت عقاید وهابیت و تخریب عقاید شیعه و مذاهب دیگر اسلامی است.



پی نوشت ها و منابع

۱-ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه، ۴۹۴/۲، ۱۳۰/۳، ۱۹۴/۴، ۲۲۹/۱۱، ۷۶/۱۹؛ حسکانی، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل، ۱۲۳/۲؛ افندی، عبدالله، رياض العلماء، ۳۳/۵

۲-ابن زهره، حمزه بن علی، غنيه النزوع، ۲۸

۳-بوحاتم رازی، احمد بن حمدان، كتاب الزينه، ۲۵۸/۳

۴-قرآن کریم . سورة كهف. آیه ۶۲

۵-قرآن کریم . سورة ملئده. آیه ۳

۶-محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، حققه و صححه عده من الأفاضل، تحت إشراف آیه الله ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، بی تا.

۷-مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسيد العتره فی حرب البصره، تصحيح: علی میرشریفی، قم، کنگره شيخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۸-صدوق، محمد بن علی، الأمالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلاميه _ مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ ق.، الخصال، صححه وعلق عليه: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين، ۱۴۰۳ ق./ ۱۳۶۲ ش

۹-مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۴، صص ۱۵۵ - ۱۵۳).

۱۰-کوثری، «بررسی ریشه های تاریخی ناصبی گری»، ص ۹۹.

۱۱-بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۴۳؛ طبری، تاریخ الامم و الملوك، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۵۴.

۱۲-حاکم نیشابوری، فضائل فاطمه الزهراء، ۱۴۲۹ق، ص ۳۰.

۱۳-کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۵۰/۸؛ رازی، محمد بن حسین، تبصره العوام، ۲۸

۱۴-الوسائل، ج ۲۰، باب (۱۰) من ابواب ما يحرم بالكفر و نحوه، ص ۴۰



- ۱۵- حسکانی، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل، تحقيق محمد باقر محمودي، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۶- ثقفی، ابراهيم بن محمد، الغارات، مصحح: سيد جلال الدين محدث ارموي؛ تهران: انجمن آثار ملي، (۲۵۳۵) ۱۳۹۵ ق./ ۱۳۵۴ ش.
- ۱۷- جوهری، اسماعيل بن حماد، الصحاح، تحقيق: أحمد عبد الغفور العطار، بيروت: دار العلم للملايين ۱۴۰۷ _ ۱۹۸۷ م.
- ۱۸- رازی، محمد بن حسين، تبصرهالعوام في معرفه مقالات الانام، تصحيح: عباس اقبال آشتياني، طهران: مطبعة مجلس، ۱۳۱۳
- ۱۹- ر.ك: در بخش احكام فقهی، ابواب خاص در آثار كليني، صدوق و طوسی.
- ۲۰- ر.ك: الشهاب الثاقب في بيان معنى الناصب از شيخ يوسف بحراني، صاحب الحدائق الناضره
- ۲۱- حلي، جعفر بن حسن، الرسائل التسع، ۲۷۷ و ۲۷۸
- ۲۲- مفيد، محمد بن محمد، المقنعه، ۵۰۰؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذيب، ۳۰۲/۷
- ۲۳- كليني، محمد بن يعقوب، همان، ۱۸۸/۳ _ ۱۹۰
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن، النهايه، ۱۴۵
- ۲۵- صدوق، محمد بن علي، معاني الاخبار، ۳۶۵: «من أشبع عدوًّا لنا فقد قتل وليًّا لنا
- ۲۶- كليني، محمد بن يعقوب، همان؛ صدوق، محمد بن علي، همان؛ طوسی، محمد بن حسن، همان.
- ۲۷- كليني، محمد بن يعقوب، همان، ۵۴۶/۳؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۹۰/۵
- ۲۹- اشعري، احمد بن محمد، النوادر، ۱۳۰؛ كليني، محمد بن يعقوب، همان، ۳۵۰/۵؛ صدوق، محمد بن علي، المقنع، ۳۰۷؛ مفيد، محمد بن محمد، مقنعه، ۵۰۰؛ ابن حمزه، محمد بن علي، الوسيله، ۲۹۰

۲۹- مفید، محمد بن محمد، المقنعه، ۵۰۰؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب، ۳۰۲/۷

۳۰- قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ۲۳۶/۱؛ صدوق، محمد بن علی، الهدایه، ۱۱۴؛ مفید، محمد

بن محمد، المقنعه، ۳۱- ابن برّاج، عبدالعزیز بن نحیر، همان، ۱۳۱/۱

۳۲- طوسی، محمد بن حسن، النهایه، ۱۴۵

۳۳- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب، ۲۷/۳

۳۴- همو، تهذیب، ۲۷/۳ و ۲۸

۳۵- حلی، جعفر بن حسن، همان، ۲۷۷

۳۶- طوسی، محمد بن حسن، همان، ۸۷/۴

۳۷- همو، النهایه، ۵۷۰؛ ابن برّاج، عبدالعزیز بن نحیر، همان، ۲/۱۸۲، ۴۱۵

۳۸- ابن ادریس، محمد بن احمد، مستطرفات السرائر، ۶۰۷.

۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۰۹/۴؛ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه،

۴۲۲/۲؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب، ۴۱۴/۵

۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، همان؛ صدوق، محمد بن علی، همان؛ طوسی، محمد بن

حسن، همان.

۴۱- کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۵۴۵/۳؛ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ۳۷۴/۲؛

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب، ۵۴/۴

۴۲- رحمت تولایی، ابوالقاسم نقیبی، (۱۳۹۸). ملاک ناصب انگاری، احکام و آثار مترتب

بر نصب در فقه امامیه. فقه و اصول سال چهل و نهم بهار ۱۳۹۶ شماره ۱۰۸

۴۳- ابراهیم محمدزاده مزینان و رضا حق پناه. (۱۳۹۶). اهمیت بررسی مصادیق ناصبی در

فقه شیعه، در سفر حج. مجله فقه حج. شماره ۳۲

۴۴- مهدی مجتهدی (۱۳۹۵) در مقاله ای به بررسی معنا شناسی ناصبی گری با تأکید بر متون

امامیه تا قرن هفتم. مجله علوم و احادیث قرآن. دوره ۶. شماره ۲۱

